

کیمیاگری

مقدمه‌ای بر نمادپردازی و روان‌شناسی

جاری - لوئیز فن فرائتس

مترجم: مه‌لای سر رشته داری

www.ketab.ir



فرانتس، ماری-لوئیزه فون، ۱۹۱۵ - ۱۹۹۸ م. Franz, Marie-Luise von
کیمیاجری: مقدمه‌ای بر نمادپردازی و روان‌شناسی (ویژه روان‌پزشکان، اساتید و دانشجویان روانشناسی) //
ماری-لوئیزه فون فرانتس؛ ترجمه مهدی سر رشته‌داری؛ ویراستار مهدی سجودی-مقدم
تهران: مهر اندیش، ۱۳۹۹.
۲۴۰ ص.

۹۷۸-۶۲۲-۷۴۷۱۱۵-۱

سر رشته‌داری، مهدی، ۱۳۲۷ - مترجم
سجودی مقدم، مهدی، ۱۳۴۰ - ویراستار
QD۲۶ ۵۴۰/۱۱۲ ۷۳۶۱۷۲۸



کیمیاجری
مقدمه‌ای بر نمادپردازی و روان‌شناسی
www.ketab.ir

- ماری - لوئیزه فون فرانتس
- ترجمه مهدی سر رشته‌داری
- ویراستار: مهدی سجودی مقدم
- گرافیکست: نرگس پاینده • آماده‌سازی و نظارت فنی: مهران‌دیش
- چاپ اول، تهران، ۱۴۰۰ • چاپ: قشقایی
- ۵۰۰ نسخه • شماره نشر: ۲۳۷
- قیمت: ۹۸۰۰۰ تومان • شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۴۷۱-۱۵-۱



هرگونه خلاصه‌نویسی، تکثیر و یا تولید مجدد این کتاب، به‌صورت کامل و یا بخشی از آن، اعم از چاپ، کپی، فایل صوتی یا الکترونیکی بدون اجازه کتبی ناشر 'ممنوع و موجب پیگرد قانونی است.

انتشارات مهران‌دیش

تلفن همراه: ۰۹۱۲۵۵۹۱۶۰۲

www.mehrandishbooks.com

mehrandishnashr@gmail.com

@mehrandishbooks

@mehrandishbooks



فهرست

۱۳.....	پیشگفتار
۴۷.....	جلسه دوم: کیمیاگری یونانی
۸۳.....	جلسه سوم: کیمیاگری یونانی
۱۱۷.....	جلسه چهارم: کیمیاگری یونانی-عربی
۱۵۷.....	جلسه پنجم: کیمیاگری عربی
۱۹۳.....	جلسه ششم: کیمیاگری عربی
۲۱۹.....	جلسه هفتم: Cosnuegens Aurora (طلوع سحر)
۲۵۷.....	جلسه هشتم: Aurora consurgens (طلوع سحر)
۲۹۵.....	جلسه نهم: Aurora Consurgens

پیشگفتار

من در این مورد که در طول این جلسات شما را به چه شیوه‌ای با نمادهای کیمیاگری آشنا کنم، خیلی فکر کردم و تصمیم گرفتم به جای اینکه مانند دوره‌های قبل یک متن واحد را تفسیر کنم، تفسیر کوتاهی از چندین متن ارائه کنم. فکر کردم که از نه جلسه‌ای که در این کلاس باهم خواهیم بود، سه جلسه را به کیمیاگری یونان باستان، سه جلسه را به کیمیاگری عربی و سه جلسه را به کیمیاگری متأخر اروپا اختصاص بدهم تا حداقل با اندکی از هر یک از مراحل کامل این علم آشنا شویم.

همان‌طور که می‌دانید دکتر یونگ سال‌های متمادی به مطالعه کیمیاگری اشتغال داشته، عملاً آن را از گرد و غبار گذشته‌ها زنده کرده است، زیرا کیمیاگری یک حوزه پژوهشی فراموش شده‌ای بود که کسی به آن علاقه‌ای نداشت و دکتر یونگ آن را احیا کرد. این واقعیت که امروزه یک صفحه کوچک [مربوط به نوشته‌های کیمیاگری] به مبلغ ۱۰۰ فرانک سوئیس به فروش می‌رسد، در حالی که حدود ۱۰ سال پیش یک کتاب عالی در مورد کیمیاگری به مبلغ دو یا سه فرانک خرید و فروش می‌شد، مدیون دکتر یونگ است، زیرا وقتی دکتر یونگ کار خود را در این مورد آغاز کرد، به جز علاقه‌ای که از سوی بعضی محافل ماسونی نسبت به این موضوع ابراز می‌شد و تحولاتی که بعدها به دست چلیپاییان گل سرخ^۱ ایجاد شد، هیچ‌کس واقعاً چیزی در مورد این مطلب نمی‌دانست.

به محض اینکه به این متون پردازیم، تا حدودی متوجه خواهیم شد که کیمیاگری چگونه فراموش شد و چرا هنوز، حتی در محافل یونگی، افراد بسیاری می‌گویند که تا

۱. Rosicrucians، جنبش معنوی و فرهنگی‌ای بود که در اوایل قرن هفدهم در اروپا بر اساس چاپ وانتشار چندین متن که وجود یک نظم روحانی تا آن زمان ناشناخته را به جهان اعلام می‌کرد و جست‌وجوی علم را برای افراد بسیاری جالب کرده بود، نضج گرفت. آموزه‌های عرفانی این جنبش بر «حقایق باطنی باستان» مبتنی بود. (م.)

آنجا که به تعبیر و تفسیر اسطوره مربوط می‌شود، با دکتر یونگ و مطالبی که در این مورد نوشته است، موافق و همراه‌اند، ولی وقتی مسئله کیمیاگری پیش می‌آید، بی‌علاقه می‌شوند و یا نوشته‌های او را در مورد کیمیاگری مطالعه نمی‌کنند و یا حین مطالعه آن غر می‌زنند. دلیل این است که کیمیاگری، به‌خودی‌خود، رشته‌ای بی‌نهایت تاریک و پیچیده، و قرائت متون آن بسیار مشکل است و از این‌رو اگر بخواهید به این حوزه قدم بگذارید، به یک دانش فنی وسیع احتیاج دارید. من این درس مقدماتی را به این امید به دانشجویان می‌گویم که بهتر بتوانند به مطالب کیمیاگری بپردازند و وقتی کتاب‌های دکتر یونگ را مطالعه می‌کنند، اطلاع قبلی داشته باشند و بتوانند مطلب را بفهمند.

دکتر یونگ در کتاب روان‌شناسی و کیمیاگری^۱ ابتدا با چاپ و انتشار سلسله‌ای از رویاهای یک دانشمند علوم طبیعی که حاوی تعداد زیادی نمادهای کیمیاگری بود، و بعد با نقل از متون قدیمی، کیمیاگری را به روان‌شناسی معرفی کرد و امیدوار بود که از این طریق بتواند نشان بدهد که این دست‌مایه تا چه حد مهم و مدرن است و چه مطالب زیادی در آن برای انسان مدرن نهفته است. خود او کیمیاگری را به‌طور مطلقاً تجربی کشف کرد. او یک بار به من گفت که در رویاهای بیمارانش به کرات به بعضی موتیف‌ها برمی‌خورد که آن‌ها را نمی‌فهمید و بعد یک روز به یک کتاب قدیمی کیمیاگری مراجعه کرد و متوجه شد که بین آن موتیف‌ها و مطالب این کتاب ارتباطی وجود دارد. به‌عنوان مثال زنی که از بیماران او بود، در رؤیا دیده بود که عقابی در آسمان پرواز می‌کند و بعد ناگهان سر خود را برمی‌گرداند و شروع به خوردن پروبال خود کرده، به زمین سقوط می‌کند. دکتر یونگ طبیعتاً توانست [معنای] این نمادها را - روح که به ارتفاعات پرواز می‌کند یا به اصطلاح، یک پرندۀ فکر - بدون اینکه یک هم‌تراز تاریخی برای آن‌ها وجود داشته باشد درک کند. این رؤیا نوعی تعکس^۲ یعنی معکوس شدن وضعیت روانی را نشان می‌دهد. مع‌هذا این مضمون، که بلافاصله می‌توان متوجه شد که یک مضمون آرکتایپی است و قطعاً باید هم‌ترازهایی داشته باشد، شدیداً او را تحت تأثیر قرار داد؛ [مضمون آرکتایپی] به‌عنوان یک مضمون عام و عمومی انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و مع‌هذا آن را در جایی نمی‌توان یافت. بعد یک روز طومار

۱. *Psychology and Alchemy*، ترجمۀ خانم پروین فرامرزی، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۳. (م.)

۲. *Enantiödomia*، در لغت به معنای «حرکت برخلاف مسیر» است و به‌طور یک تضاد ناخودآگاه در طول زمان ارجاع

ریپلی^۱ را کشف کرد که سلسله‌ای از تصاویر مربوط به کیمیاگری - و از جمله عقابی که سر آن شبیه سر یک شاه است و سرش را برگردانده، بال خود را می‌خورد - در آن ترسیم شده بود و بخشی از آن را در کتاب روان‌شناسی و کیمیاگری به چاپ رساند.



۲- عقاب، نماد روح است که با کیمیا یونگ، کیمیاگران از آن «همة قوای ذهنی متعالی از قبیل قدرت استدلال، بصیرت، و تمیز اخلاقی» را در نظر داشتند.

این تصادف او را شدیداً تحت تأثیر قرار داد و این تصویر سال‌ها در ذهن او باقی ماند و احساس می‌کرد که مطالب دیگری هم در کیمیاگری وجود دارد و او باید به این موضوع بپردازد، ولی از آنجا که می‌دانست پرداختن به این حوزه پیچیده به کار و کوشش و مطالعه فراوان نیاز دارد و مستلزم آن است که دوباره به مطالعه زبان‌های لاتین و یونانی روی بیاورد، در انجام این کار تردید داشت. ولی بالاخره به این نتیجه رسید که این کار باید انجام شود و کیمیاگری حاوی مطالب متعددی است که از لحاظ درک بهتر رؤیاهای افراد مدرن بسیار مهم هستند.

در نظر دکتر یونگ این مطلب صرفاً یک مسئله تنوریک نبود، بلکه هم‌ترازِ بارز دست‌مایه‌هایی بود که او به آن‌ها می‌پرداخت. ولی حالا می‌توانیم از خودمان پرسیم که چرا نمادهای کیمیاگری باید بیش از سایر دست‌مایه‌ها به محصولات ضمیر ناخودآگاه

۱. Ripley Scroll، متن کیمیاگرانه‌ای است متشکل از چهار بخش که در اواخر قرن شانزدهم و اوایل قرن هفدهم میلادی جمع‌آوری شده و به جرج ریپلی (۱۴۹۰-۱۴۱۵) که کیمیاگر و نویسنده کتب کیمیاگری و از پیروان سن آگوستین بود، منسوب است. این طومار آکنده از نمادهای مربوط به کیمیاگری است. (م.)

انسان مدرن نزدیک باشد؟ چرا کافی نیست که به مطالعه تطبیقی اسطوره‌ها، قصه‌های پریان و تاریخ ادیان پردازیم؟ چرا بخصوص باید به مطالعه کیمیاگری پرداخت. این امر دلایل متفاوت دارد. اگر به هنگام مطالعه تطبیقی ادیان، یا مطالعه و بررسی مسیحیت، به مطالعه نمادها - به عنوان مثال، همه تمثیل‌های مربوط به مریم باکره یا درخت زندگی یا صلیب یا نماد ازدها در نوشته‌های مسیحی قرون وسطا و امثالهم - پردازیم یا اگر اسطوره‌های سرخ‌پوستان آمریکای شمالی - اعتقادات هوپی‌ها، سرودهای ناواهو و از این قبیل - را مطالعه و بررسی کنیم، در همه موارد با مضامینی سروکار داریم که به‌طور جمعی شکل گرفته، از طریق یک سنت کم‌وبیش سازمان یافته به ما رسیده‌اند. در میان سرخ‌پوستان آمریکای شمالی وجود پزشک - جادوگر یک سنت است؛ این‌ها سرودها و مراسم و مناسک را به شاگردان خود می‌آموزند و در عین حال مطالبی هم هست که کل قبیله که در این مراسم و مناسک شرکت می‌کند، از آن باخبر است. این امر مربوط به نمادپردازی‌های مسیحیت هم مصداق دارد، زیرا این نمادها از طریق سنت‌های کلیسایی به ما رسیده‌اند و کل نماد و سرودهای نیایشی و عشای ربانی^۱ همراه با معانی آن‌ها، از طریق اصول اعتقادی، سنت، و تشکیلاتی که ساخته دست انسان است، به ما منتقل شده است. علاوه بر این، صورت‌های شرقی مختلف یوگا و صور دیگر مراقبه هم وجود دارند. بدون شک نمادهایی که به این‌گونه شکل گرفته‌اند، در ضمیر ناخودآگاه ریشه دارند، ولی بعدها از طریق سنت روی آن‌ها کار شده است. به کرات می‌بینیم که چگونه کسی که نمادهای ضمیر ناخودآگاه را به‌طور بلاواسطه تجربه کرده است، شروع به صیقل زدن آن‌ها می‌کند.

اجازه بدهید که به عنوان نمونه، شهودی را که به سن نیکلاس^۲ فُن در فلونه،^۲ قدیس سونسی، دست داد، در نظر بگیریم. او در شهود دید که شخص آواره‌ای که یک پیکره الهی است، در حالی که یک پوست خرس درخشان بر تن دارد و آوازی سه کلمه‌ای را می‌خواند، به سوی او آمد. گزارش اصلی این شهود نشان می‌دهد که این قدیس حتم داشت که خدا یا مسیح در مقابل او ظاهر شده است. ولی این گزارش اصلی گم شد و تا حدود هشتاد سال پیش فقط یک گزارش در این مورد وجود داشت که توسط یکی از

1. Mass.

۲. St. Niklaus von der Flue، حکیم و زاهد سونسی (۱۴۸۷-۱۴۱۷) که قدیس محافظ این کشور محسوب می‌شود. (م.)

اولین زندگی نامه نویسانِ او نوشته شده بود و این رویداد را کم و بیش به درستی نقل کرده، ولی پوست خرس را از آن حذف کرده بود! سه کلمهٔ آواز به تثلیث اشاره دارند، آواره الهی می تواند مسیح باشد که به دیدار این قدیس آمده بود و غیره. زندگی نامه نویس به همهٔ این نکات اشاره کرده بود، ولی نمی دانست با پوست خرس چه باید بکند - چون که چرا مسیح می بایست پوست خرس به تن کند؟ پس این یک فقره را حذف کرد و فقط پس از آنکه گزارش اصلی به طور تصادفی کشف شد، پوست خرس را هم به آن اضافه کردند. این چیزی است که برای تجربهٔ اصلی ای که به دست ما می رسد، اتفاق می افتد، زیرا [در این انتقال] انتخابی صورت می گیرد و مضامینی که در دانش ما می گنجند و یا با آن مطابقت دارند، منتقل می شود و سایر جزئیات را که عجیب به نظر می رسد و نمی دانند با آن چه کنند، از قلم می اندازند.

پس به نظر می رسد که نمادهایی که از طریق سنت به ما می رسند، تا حد معینی به صورت منطقی درآمده، از خس و خاشاک های ضمیر ناخودآگاه، از جزئیات کوچک و عجیبی که ضمیر ناخودآگاه به آن اضافه می کند، که گاهی هم چیزهایی متناقض و هرزه است، تصفیه می شود. این امر در مقیاس کوچک، حتی در درون خود ما هم اتفاق می افتد. یک دکتر جوان ناگهان در مورد شیوه ای که ما در صبح روز بعد برای ثبت رویاهای شبانه به کار می بریم، به تردید افتاد. پس یک ضبط صوت در کنار تخت خوابش گذاشت و وقتی شب ها از خواب بیدار می شد، حتی در حالت نیمه خواب و نیمه بیدار، رویایش را ضبط می کرد و صبح وقتی از خواب بیدار می شد، رویایش را آن طور که به خاطر می آورد، می نوشت و این دو روایت را با هم مقایسه می کرد. او متوجه شد که بیش از حد در مورد شیوه کار ما تردید داشته است. گزارشی که صبح روز بعد از شبی که رؤیا دیده ایم، ثبت می کنیم، تقریباً صحیح است، ولی بدون اینکه متوجه باشیم، آن را منظم می کنیم. به عنوان مثال دکتر مزبور در رؤیا دید که رویدادی در یک خانه اتفاق افتاد و بعد به داخل آن خانه رفت. به هنگام بازگویی رؤیا در صبح روز بعد، او ترتیب زمانی آنچه را اتفاق افتاده بود، عوض کرد و نوشت که ابتدا وارد خانه شد و بعد آن اتفاقات افتاد. در واقع رویاهایی که بلافاصله ثبت می شوند، سردرگمی زمانی بیشتری دارند، ولی، به جز این، ثبت آن ها دقیق است. از این رو حتی وقتی رویایی از آستانه آگاهی عبور می کند، ضمیر خودآگاه، به هنگام گزارش آن، در آن دستی می برد، آن را کم و زیاد

و کمی قابل فهم تر می کند.

با کمی احتیاط می توانید آنچه را گفتیم، با شیوه انتقال تجربه دینی در یک نظام دینی زنده مقایسه کنید؛ به این معنا که [در این نظام دینی] تجربه بلاواسطه شخصی، معمولاً تصفیه و ساخته و پرداخته می شود و در آن تجدید نظر می کنند. به عنوان مثال در گزارش های مربوط به زندگی شخصی درونی قدیسین کاتولیک آمده است که آن ها اغلب خدا یا مریم باکره یا مسیح و امثالهم را به طور بلاواسطه تجربه کرده بودند - که این امر البته جزئی از تعریف قدسیت است. ولی کلیسا به ندرت بدون تنقیح مطالبی که آن ها را دست مایه های شخصی تلقی می کرد، چیزی را منتشر کرده است. فقط مطالبی که با سنت مطابقت داشته باشند، انتخاب می شوند.

همین امر در حتی جوامع ابتدایی آزاد هم اتفاق می افتد. حتی سرخ پوستان آمریکای شمالی هم بعضی جزئیات را که برای جمع جالب نمی دانند، حذف می کنند. بومیان استرالیا مراسمی را جشن می گیرند که کوناپی پی^۱ نام دارد و سی سال طول می کشد. به مدت سی سال، مناسک معینی در زمان های مشخص اجرا می شود - این یک مناسک بزرگ باززایی است که به مدت زندگی یک نسل طول می کشد و وقتی این سی سال تمام شد، اجرای مناسک دوباره شروع می شود. قوم شناسی که اول بار این مناسک را وصف کرد، به خود زحمت داد و رویاهای این قبیله را که به این مناسک مربوط می شد، جمع آوری و ثبت کرد. او متوجه شد که اعضای این قبیله اغلب در مورد این مناسک رؤیا می بینند و همان طور که می توان انتظار داشت و در رویاهای خود ما هم اتفاق می افتد، بین این رویاها با آنچه واقعاً اتفاق افتاده بود، تفاوت های کوچکی وجود داشت. بومیان استرالیا می گویند که اگر رؤیایی حاوی ایده خوبی بود، آن را با قبیله در میان می گذارند و آن رؤیا به جزئی از این مناسک تبدیل می شود و مراسم را اندکی تغییر می دهند، ولی عمدتاً به سنتی که به آنان رسیده است، پایبند می مانند.

من به هنگام روان کاوی کاتولیک ها اغلب به همین پدیده برخوردادم، یعنی آن ها رؤیای مراسم عشای ربانی را می بینند، ولی [ضمن آن] واقعه خاصی اتفاق می افتد، مثلاً کشیش به جای نان مقدس، آتش داغ به همه می دهد یا چیزی شبیه این. همه چیز سر جای خودش است، مگر همین یک چیز کوچک. یادم می آید که راهبه ای در رؤیا

دیدۀ بود که درست در وسط تبرک‌گویی یعنی در مقدس‌ترین لحظهٔ مراسم، درست در همان لحظه‌ای که دگرگوه‌ری^۱ باید اتفاق بیفتد، اسقف پیری که مراسم را اجرا می‌کرد، بی مقدمه توقف کرد و گفت: «حالا ابتدا یک چیز مهم‌تری لازم است.» و آن وقت مراسم حلول را اجرا کرد. بعد دوباره توقف کرد و گفت که حالا کار را با مراسم عشای قدیمی سنتی ادامه می‌دهد و اتمام کار را به دو کشیش جوان واگذار کرد. آشکار است که این راهبه، مانند بسیاری از مردم، رموز و مراسم را واقعاً نفهمیده بود. در نظر او این مراسم چیزی جز تکرار مکانیکی این رموز و مراسم نبود و از این رو پیش از آنکه دگرگوه‌ری صورت بگیرد، رویا به او نشان داد که باید به مردم توضیح داد که واقعاً چه می‌گذرد، زیرا اگر مردم ذهناً در این مراسم شرکت نکنند، فیضی نمی‌برند و صرفاً به آن معتقد بوده‌اند، بدون اینکه آن را فهمیده باشند. پس در رؤیای این راهبه، اسقف در این مورد توضیح مفصلی داد و بعد مراسم عشای ربانی سنتی توسط کشیش‌های جوان ادامه پیدا کرد که خود نشانهٔ تجدید و نو شدن است. این تجدید و نو شدن، مطابق با شیوهٔ فهمیدن مراسم عشای ربانی انجام می‌شود و در اینجا کشیش پیر کار را به دو کشیش جوان می‌سپارد. این امر نشان می‌دهد که تجربهٔ فردی نمادهای دینی همیشه اندکی با فرمول رسمی آن که در واقع یک الگوی میانگین است، تفاوت دارد. ضمیر ناخودآگاه به‌ندرت در تاریخ یا در جاهای دیگر، به‌طور بلاواسطه تجلی می‌کند.

انسان مدرن اکنون می‌تواند از طریق مشاهدهٔ رویاها، شهود، توهمات و امثالهم، به شیوه‌ای فارغ از تعصب به پدیده‌های ضمیر ناخودآگاه بنگرد. آنچه را از ضمیر ناخودآگاه می‌آید، می‌توان به واسطه و از طریق افراد مشاهده‌کرد. در مورد تجربه‌های شخصی [رویارویی با ضمیر ناخودآگاه] گزارش‌های نادری از گذشته به دست ما رسیده است، ولی به‌طور کلی از آنجا که نوع بشر معمولاً نه به‌طور فردی، بلکه، با معدودی استثناء، به‌طور غیرمستقیم از طریق نظام‌های دینی با ضمیر ناخودآگاه ارتباط برقرار کرده است، نمادهای ضمیر ناخودآگاه به شیوه‌های سنتی‌تر به ما می‌رسند. تا آنجا که من می‌دانم، به‌طور کلی، به جز در قدیمی‌ترین و ابتدایی‌ترین جوامع و بعضی جوامع دیگر، این انتقالِ نمادها به این سبک یعنی به شیوه‌ای که رویکرد به ضمیر

۱. Transformation، در مراسم عشای ربانی لحظه‌ای است که باید نان و شرابی که به شرکت‌کنندگان در مراسم داده می‌شود، به‌طور نمائین به خون و گوشت زن عیسی تبدیل شود. (م.)

ناخودآگاه را کُذبندی و تعیین کرده است، انجام می‌شود.

در تعدادی از قبایل اسکیمو آگاهی جمعی عملاً مضمون و محتوایی ندارد. تعلیماتی چند در مورد بعضی اشباح و ارواح و خدایان - سیلا^۱ خدای هوا و سدنا^۲ ایزدبانوی دریا و امثالهم - وجود دارد که بعضی افراد آن را سینه‌به‌سینه نقل می‌کنند، ولی تجربیات شخصی فقط توسط شمن‌ها یا پزشک - جادوگرها که شخصیت‌های دینی این‌گونه اجتماعات هستند، به دیگران انتقال پیدا می‌کند. اسکیموها به علت سختی شرایط زندگی با مشکل بقا روبه‌رو هستند و از این‌رو فقط بعضی افراد برگزیده که با ارواح رابطه و رفت‌وآمدی دارند و دارای تجربه درونی هستند، رؤیا می‌بینند و مردم با این رؤیاها ارتباط برقرار می‌کنند و تقریباً مثل انسان مدرنی که به روان‌کاوی می‌رود، در مورد این رؤیاها افکار خاص خود را دارند. این مردم فقط وقتی که با این شمن‌ها ملاقات می‌کنند و این تجربیات را با آنان در میان می‌گذارند، رهنمودی دریافت می‌کنند و ممکن است با تجربه شخصی خود تنها نمانند. معمولاً جوان‌ترها از شمن‌های پیر نگهداری می‌کنند، چون می‌ترسند که در غیر این صورت شمن‌های پیر دیوانه بشوند، همان‌طور که ما هم ممکن است به همین سرنوشت دچار بشویم. در این موارد، معدودی از افراد بیشترین میزان تجربه بلاواسطه را دارند، در حالی که جمع از این تجربه بلاواسطه چندان سهمی نمی‌برد.

به نظر من احتمال دارد که این امر باز نمود باقی مانده‌های یک وضعیت اصلی و نخستین بوده باشد، زیرا بر اساس تأملات انسان‌شناختی می‌توان فرض کرد که نوع بشر، در آغاز، در گروه‌های قبیله‌ای حدود بیست تا سی نفره زندگی می‌کرده است که بین آنان دو یا سه تن آدم درون‌گرا که از موهبت تجربه شخصی برخوردار بوده‌اند، وجود داشته و راهنمایان روحانی به‌شمار می‌رفته‌اند؛ و شکارچیان یا جنگجویان قدرتمند هم راهنمایان زندگی زمینی بوده‌اند. در چنین وضعیتی، مطالبی در مورد تجربیات درونی بلاواسطه وجود دارد، ولی دست‌مایه‌های سنتی اندک است.

علاوه بر این، در مناسک پاگشایی بعضی اقوام که به صورت سازمان‌یافته انجام می‌شود، پدیده ملاقات فردی بلاواسطه با ضمیر ناخودآگاه نیز وجود دارد.

1. Sila.

2. Sedna.